

دیدگاه‌های رابرت بلا درباره دین مدنی

اسدالله بابایی فرد*

تعریف دین نزد رابرت بلا و نوع رویکرد وی به دین

رابرت بلا، در بحث از دین از رویکرد کارکردگرایی استفاده می‌کند. چنین رویکردی به دین در عرصه جامعه‌شناسی، نخستین بار در آثار امیل دورکیم پدیدار شده است. دورکیم برای ادیان ابتدایی یا پیشرفته، کارکرد حفظ احساس و عاطفه جمعی و تداوم انسجام و یکپارچگی اجتماعی قائل است. به نظر دورکیم مناسک دینی نقش مهمی در تولید و بازتولید خود دین به عهده دارند و متعاقباً دین هم به حفظ و تداوم همبستگی اجتماعی یاری می‌رساند. علاوه بر دورکیم، مردم‌شناسان و جامعه‌شناسانی همچون مالیوفسکی، رادکلیف براون، تالکوت پارسونز، رابرت مرتون، میلتون یی‌نگر، نیکلاس لومان، کلیفورد گیرتز و توماس لاکمن، دین را در قالب تحلیل کارکردگرایانه بررسی کرده‌اند (پل ویلم، ۱۳۷۷: ۵۰-۴۶).

بلا از جمله صاحب‌نظرانی است که رویکردها و تعاریف تقلیل‌گرایانه دین را رد می‌کند. تعریف بلا از دین را می‌توان تعریفی تلفیقی دانست، زیرا وی از یک سو بر عناصر ذاتی دین در تعریف آن تأکید دارد و از سوی دیگر در تعریف دین عناصر کارکردی آن را نیز دارای اهمیت خاصی می‌داند. یکی از تعاریف بلا از دین عبارت است از: «دین مجموعه‌ای است از صورت‌ها و اعمال نمادین که آدمیان را با وضعیت غایی هستی مربوط می‌سازد» (همتی، ۱۳۷۹: ۲۳-۲۴). چنین تعریفی از دین سبب شده است که برخی از نویسندگان، تعریف بلا از دین را تعریفی نمادگرایانه و نوع رویکرد وی به دین را واقع‌گرایی نمادین بنامند. بلا تعریف خودش از دین را تحت تأثیر رویکرد کلیفورد گیرتز - که برجسته‌ترین دین‌پژوه نمادگراست - ارائه کرده است. به نظر گیرتز فرض جوهر انتزاعی برای مفاهیم و مقولات دینی، ما را ناگزیر به استفاده از ابزارهای نمادین می‌سازد. بلا نیز در تعریف دین و بحث از آن تأکید خاصی بر نمادهای دینی دارد. «او می‌گوید با آن که این نمادها واقعیتی را بیان می‌کنند، ولی تقلیل‌پذیر به قضایای تجربی نیستند. این رویکرد دین را یک واقعیت فی‌نفسه و یک امر حقیقی می‌داند و ضمن جدی گرفتن نقش دین، بر اهمیت سمبل‌ها و رفتار دینی در زندگی بشری تأکید می‌کند» (شجاعی‌زند، ۱۳۸۰: ۶۹-۶۷).

اساساً تعریف بلا از دین تعریفی جامع‌نگرانه است. یکی دیگر از تعاریف وی درباره دین این است: دین «مجموعه‌ای است از پاسخ‌های منسجم به پرسش‌های اصلی وجودی که هر گروه انسانی با آن‌ها مواجه می‌شود، و دسته‌بندی کردن این پاسخ‌ها در یک شکل اعتقادی است که برای طرفدارانش مهم و معنادار است، بزرگداشت شعاعری است که پیوندی عاطفی بین کسانی که در آن مشارکت می‌کنند فراهم می‌کند؛

و ایجاد دستگاهی نهادی است که کسانی را که در آن آیین و بزرگداشت سپه‌م‌اند در یک اجتماع گرد می‌آورد و موجبات تداوم این شعائر را از نسلی به نسل دیگر فراهم می‌کند» (تامسون و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۹). با توجه به چنین تعریفی از دین، ملاحظه می‌شود که بلا در تعریف دین تحت تأثیر دور‌بینی، تعریفی کارکردگرایانه از دین ارائه می‌دهد. اما وی در تعریف دین از چنین رویکردی فراتر رفته و عناصر ذاتی دین را نیز در نظر می‌گیرد.

صاحب‌نظرانی مانند فیلیپس و بلا رویکردهای تقلیل‌گرایانه به دین، مانند درنظر گرفتن آن به عنوان پدیده‌ای صرفاً اجتماعی، روان‌شناختی، محصول شرایط اقتصادی، روانی و یا سیاسی است را مورد نقد قرار داده‌اند. «فیلیپس در نقد رهیافت‌های تقلیل‌گرایانه به دین این نکته را به گونه قانع‌کننده‌ای مطرح ساخته که این رهیافت‌ها ماهیت دین را معمولاً مخدوش می‌سازند، زیرا تصور می‌کنند که قضایای مذهبی فرضیه‌هایی نادرست درباره واقعیت‌ها هستند ... در واقع تا آنجا که این قضایا ماهیتی به راستی مذهبی دارند و از جنس خرافات محض نیستند، باید آن‌ها را به عنوان شیوه‌های نگرش و نحوه کنارآمدن با چیزهای خوش‌بین و بدبین درنظر آورد. گزاره‌های مذهبی از ادراک و معنایی درونی و در نتیجه نوعی خودمختاری برخوردارند که با رهیافت‌های تقلیل‌گرایانه نمی‌توان به آن‌ها پرداخت» (همیلتون، ۱۳۷۷: ۱۵-۱۴). رابرت بلا نیز در نقد رویکرد تقلیل‌گرایانه به دین، نظریاتی مانند نظریات فیلیپس مطرح کرده است. وی در این زمینه می‌گوید: «دین اساساً با نمادهایی سروکار دارد که غیرعینی‌اند و احساسات، ارزش‌ها و امیدهای مؤمنان را بیان می‌کنند، یا جریان کنش متقابل میان انسان‌ها و اعیان خارجی را سازمان داده و به نظم می‌کشند، یا کل مجموعه اذهان و اعیان را جمع‌بندی می‌کنند و یا زمینه این کل را نشان می‌دهند. این نمادها با آن که واقعیتی را نیز بیان می‌دارند، ولی تقلیل‌پذیر به قضایای تجربی نیستند... بلا این موضع را واقع‌گرایی نمادین می‌نامد. از این دیدگاه، دین واقعیتی فی‌نفسه است. به گفته بلا: «صریح بگویم، دین یک امر حقیقی است» (همان: ۱۵). بر اساس چنین نگرشی است که می‌توان گفت بلا در تعریف دین به عنصر ذاتی دین نیز توجه کرده است.

دیدگاه‌های رابرت بلا درباره دین مدنی

مفهوم دین مدنی^۱ ارتباط نزدیکی با مفهوم جامعه مدنی^۲ دارد و می‌توان گفت دین مدنی را در یک جامعه مدنی می‌توان یافت. یک جامعه مدنی، جامعه‌ای است به دور از اجبار و سلطه نیروهای سرکوب‌گر که در آن اراده جمعی افراد جامعه، نقش مهمی در حیات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جامعه ایفا می‌کند. نهادهای اجتماعی در یک جامعه مدنی - مانند حکومت، دین، آموزش و پرورش، اقتصاد و خانواده - در راستای اراده همگانی و مصالح جمعی کارکردهای خود را انجام می‌دهند. مسلماً در چنین جامعه‌ای دین نیز در راستای خیر همگانی و همبستگی اجتماعی عمل می‌کند. «برنهاد دین مدنی، یک برنهاد جامعه‌شناختی بسیار مهم است. این برنهاد آن وجوهی از دین را توضیح می‌دهد که در ادیان خاص و مرسوم، مورد توجه واقع نشده‌اند یا اصولاً ربطی به آن‌ها ندارند. این دین محصول داد و ستد نهاد دین و پدیده دولت - ملت است. بنابراین بدون شکل‌گیری دولت - ملت نمی‌توان از دین مدنی سخن گفت. در چهارچوب این مفهوم است

که می‌توان وجوه دینی وحدت ملی را در یک جامعه ناهمگن، بسیار تمایز یافته و متکثر و مبتنی بر قرارداد اجتماعی توضیح داد. بدین ترتیب شکل‌گیری دین مدنی تا حد زیادی با فرایندهای شکل‌گیری دولت - ملت، تمایز یابی اجتماعی، نهادینه شدن امور و عرفی شدن مرتبط است» (محمدی، ۱۳۷۶: ۲۰). دونالد نیلسن به درستی، دین مدنی را به مدرنیته و شرایط متحول اجتماعی - فرهنگی دنیای مدرن مرتبط می‌سازد. به نظر نیلسن «مفهوم یک دین مدنی، که توسط بلا و دیگران وضوح بیشتری یافت، برای نخستین بار در نظریه دورکیم بسط یافت ... مناسک دین مدنی به پیوند دادن نظم دنیوی جامعه کمک می‌کند. این مناسک از طریق ترکیب یادآوری گذشته با تأیید مجدد هویت جمعی و تعقیب آرمان‌های جمعی در آینده، شکاف‌های دنیوی مربوط به جریان دگرگونی سریع و فزاینده اجتماعی - فرهنگی را پر می‌کنند. این مناسک مناسب حال عدم تساهل فزاینده مدرنیته هستند، با این حال، مستلزم کلیت بخشیدن به نمادها و بازتولید مناسک‌اند» (نیلسن، ۲۰۰۴: ۱۲۴).

به نظر می‌رسد مفهوم دین مدنی را برای اولین بار ژان ژاک روسو در سال ۱۷۶۲ در اثر معروفش *قرارداد اجتماعی* آورده است (جاد، ۲۰۰۳: ۱). روسو با طرح مفهوم دین مدنی به عنوان دینی که در یک گستره‌ی عمومی^۳ تکیه یافته و به دور از سیطره یا کنترل نیروهای سیاسی - اجتماعی خاص به حیات خود ادامه می‌دهد، زمینه‌های لازم را برای بحث و پژوهش پیرامون این مفهوم فراهم آورد. صاحب‌نظرانی مانند آلکسی دو توکویل و امیل دورکیم - بدون آن که ضرورتاً این مفهوم را به کار برده باشند - پیرامون آن به بحث و پژوهش پرداخته‌اند. هدف اساسی‌شان این بوده است که نشان دهند نه تنها در دنیای مدرن دین از میان نخواهد رفت، بلکه دارای این توانمندی است که ضمن تغییر شکل خود از لحاظ محتوایی یا کارکردی، در حفظ همبستگی اجتماعی نقش اساسی بازی کند. پس از روسو، متفکران و صاحب‌نظرانی همچون آلکسی دو توکویل، امیل دورکیم و تالکوت پارسونز درباره دین مدنی بحث کرده‌اند (پل ویلم، ۱۳۷۷: ۲۵ - ۱۵؛ روزه، ۱۳۷۶: ۹۰-۸۸). بلا نیز این مفهوم را از صاحب‌نظران پیشین اقتباس کرده و به بسط و شرح آن پرداخته است. وی مفهوم دین مدنی را در پرتو تجارب و ویژگی‌های تفکر و کنش دینی در عصر جدید - به ویژه در ایالات متحد آمریکا - مطرح کرده است. در عصر جدید تفکر و کنش دینی اساساً به سمت فردی شدن و بی‌شکلی حرکت کرده است. رشد فزاینده چنین رویه‌ای بدان جا رسید که حتی تجارب احساسی و عاطفی خاصی که افراد در جریان وابستگی به مکاتب یا ایدئولوژی‌های غیردینی کسب می‌کردند به نام تجارب دینی یا تجارب شبه‌دینی نامیده شدند.

به طور کلی، هرچند مفهوم دین مدنی دست کم تا زمان روسو سابقه دارد، اما کارآمدترین صورت‌بندی این مفهوم را در زمان معاصر، بلا انجام داده است. وی این مفهوم را با توجه به تجربه جامعه ایالات متحد آمریکا مورد بحث و بررسی قرار داده است و «استدلال کرده است که در ایالات متحد، در کنار سنت‌های مذهبی اصلی، یک دین مدنی متمایز و بسیار نهادمندی نیز وجود داشته است. در ایالات متحد، کثرت‌گرایی مذهبی، عدم وجود هر گونه کلیسا و سنت مذهبی تثبیت شده و در نتیجه واگذاری دین به قلمرو خصوصی، به معنای این بود که مشروعیت دولت و نظام سیاسی می‌بایست با پیدایش یک دین متمایز مدنی تحقق یابد؛ این دین بر مضامین مشترک در میان سنت‌های عمده مذهبی جامعه - مانند اعتقاد به خداوند و اهمیت

خدا برای سرنوشت اجتماع - تأکید می‌ورزد. مراسم همگانی، احترام به پرچم، تحسین برخی از متون بنیادی، مانند اعلامیه استقلال و خطابه گیتزبرگ، بر خصلت مقدس زندگی همگانی و سیاسی گواهی می‌دهند. این دین مدنی شهیدان ویژه، مکان‌ها و رویدادهای مقدس و نیز مناسک و نمادهای پرابهت و خاص خود را دارد. ویژگی خاص دین مدنی آمریکا این است که ایالت متحد در تایخ بشر، رسالتی از سوی خداوند دارد. در مورد انگلستان نیز استدلال همانندی در ارتباط با تشریفات همگانی و دولتی مانند تاج‌گذاری پادشاه جدید مطرح است» (همیلتون، ۱۳۷۷: ۳۶۱).

دین مدنی، که مدّ نظر صاحب‌نظرانی چون رابرت بلا است، اصولاً ترکیبی است از عناصری از دین سنتی و نگرش‌های مدرن و لیبرال درباره جایگاه دین در جامعه جدید و حدود اختیار و اقتدار آن. به عبارت دیگر در جامعه مدرن، دین اجازه ابراز وجود و بیان می‌یابد. اما چنین ابراز وجودی دارای حدود و ثغور خاصی است بدین معنا که گرایش‌های دینی به هیچ‌وجه نمی‌توانند عقلانیت حاکم بر سازمان‌ها و تشکیلات نوین را زیر سؤال ببرند. چنین جریانی را امثال پل ویلم جریان دوگانه‌سازی نامیده‌اند. «جریانی که از نگاه آن، نظام اجتماعی می‌پذیرد که دینی ملایم، معقول، تلفیق‌گرا و اخلاقی در آن جایگاه ویژه خود را داشته باشد و به عنوان یک سایبان مقدس بر سر جامعه نگهداری شود، افق دوردست جامعه‌ای که نشان می‌دهد، هر اندازه هم که آن جامعه سکولاریزه شده باشد، باز در درون یک نظام اساسی‌تری جای گرفته است. در یک فضای دینی پر از رمز و کنایه، که کمی دوردست قرار دارد، و در تقلیل تردید و عدم اطمینان جامعه نسبت به خود، و نیز در تقدس بخشیدن به نقاط عطف اخلاقی جامعه، سهم دارد. این دین مدنی هر چند بسیار ساده و کم‌نماست، و به خصوص به عنوان دین اخلاقی و تلفیقی حقوق انسانی عمل می‌کند، نمایان‌گر تداوم نوع خاصی از عطف و ارجاع نظام اجتماعی به امر دین و دین‌داری است» (پل ویلم، ۱۳۷۷: ۱۶۱-۱۶۰).

رویکرد بلا درباره دین مدنی و رابطه آن با سکولاریزاسیون

صاحب‌نظرانی مانند بلا دنیوی شدن در معنای حرکت تدریجی جوامع از عصر طلایی دین به سمت بی‌دینی یا بی‌خدایی را رد می‌کنند و معتقدند مسئله سکولاریزاسیون یا دنیوی شدن مسئله‌ای است که باید دقیقاً تعریف شود و مورد آزمون تجربی قرار گیرد. «بلا تفسیر متقاعدکننده‌ای از تحول دین بر حسب تمایزات فزاینده‌اش به منزله نظامی نمادی، هماهنگ با تمایزات ساختی در نظام اجتماعی، به دست می‌دهد. این که کسی دنیوی شدن فرهنگ را به منزله خطری برای نظم اجتماعی یا مجالی برای آزادی عمل بیش‌تر بداند به تمایلات و ارزش‌های خود او بستگی دارد». بر همین اساس است که بلا می‌گوید، «جامعه مدرن اولیه که به میزان قابل توجهی تحت فشار دینی بود، ایده نظام اجتماعی خود-اصلاح‌کننده را در شکل یک جامعه دموکراتیک بسط داد. اما دست‌کم در مرحله اولیه آن، انعطاف اجتماعی توسعه در تقابل با سخت‌گیری آموزه‌ای (ارتدوکسی- پروتستانی) و سخت‌گیری منش‌شناختی (شخصیت پیوریتن)، حالت متعادلی ایجاد کرد. به یک معنا برای این که انعطاف در نظم اجتماعی امکان ظهور پیدا کند، آن سخت‌گیری‌ها لازم بودند؛ اما مشخصه برجسته دنیای مدرن این است که فرهنگ و شخصیت، خود به منزله چیزی که مدام قابل تجدیدنظرند، در نظر گرفته می‌شوند. دوران مدرن را با فروپاشی معنا و هزیمت

معیارهای اخلاقی معرفی کرده‌اند. بنابراین شکی نیست که احتمال تغییرات آسیب‌شناختی در چنین وضعیتی بسیار زیاد است. آن چه باقی می‌ماند این است که ببینیم آیا این آزادی که جامعه مدرن در سطح فرهنگی و شخصیت و نیز در سطح اجتماعی مستلزم آن است، می‌تواند به‌صورتی پایدار در جوامع بزرگ نهادینه شود یا نه. در عین حال این وضعیتی که به منزله یکی از نمونه‌های فروپاشی معنا و هزیمت معیارهای اخلاقی مشخص گردیده، می‌تواند همچنین به منزله عرضه‌کننده فرصت‌های بی‌سابقه‌ای برای نوآوری خلاق در هر عرصه‌ای از کنش انسانی مورد توجه قرار گیرد» (تامسون و دیگران، ۱۳۸۱: ۴۷-۴۶). بنابراین بلا معتقد است که دین در دوران مدرن کارکردهای سنتی خود را از دست داده و شکلی فردی یافته است. این پدیده نه تنها به معنای زوال دین نیست، بلکه در جریان بروز چنین پدیده‌ای انسان‌ها این فرصت را یافته‌اند که آزادانه و از روی آگاهی و اراده به باورها و مناسک دینی پایبند باشند. به عبارت دیگر بلا نظریه سکولار شدن جامعه مدرن، در معنای غیردینی شدن یا ضددینی شدن آن را رد کرده، اما نظریه سکولار شدن جامعه مدرن، در معنای فردی شدن دین در جامعه را می‌پذیرد و مورد تأیید قرار می‌دهد.

نتیجه‌گیری

مباحث بلا درباره دین مدنی، تکامل یا تحول دینی و سکولاریزاسیون نشان می‌دهد که نه تنها دین در دوران مدرن رو به افول نیست، بلکه در هر برهه تاریخی، اشکال متفاوتی پیدا می‌کند و در زندگی اجتماعی انسان‌ها به ایفای نقش می‌پردازد. این پدیده به ویژه، در دوران مدرن که دین مدنی پدیدار شده است بهتر نمایان است. دین مدنی از دیدگاه بلا، تبلور دنیوی شدن، و همچنین فردی شدن دین است. بر اساس چنین رویکردی، دین مدنی هم دارای کارکردهای فردی است و هم ایفاکننده کارکردهای اجتماعی. در حالت فردی، شکل‌گیری و تداوم دین مدنی سبب تداوم معنا دار بودن زندگی فردی انسان‌ها می‌شود، و در حالت اجتماعی، دین مدنی از یک سو سبب جلوگیری از تعرض دین به حوزه‌ها یا نهادهای اجتماعی دیگر و بالعکس می‌شود، و از سوی دیگر سبب حفظ و تقویت وحدت و همبستگی اجتماعی در جامعه می‌گردد. رویکرد دینی بلا دارای دستاوردهای مهمی بوده است، با این حال چنین رویکردی دارای کاستی‌های خاصی نیز هست. بلا اساساً عناصر و آموزه‌ها و دستاوردهای انسانی مقوم نظم و همبستگی اجتماعی را با عناصر و آموزه‌ها و دستاوردهای دین سنتی ترکیب می‌کند و آن‌ها را با عنوان کلی دین مدنی مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. چنین اقدامی می‌تواند سبب مغشوش شدن مرزهای میان ادیان اصیل‌تر و ادیان ساختگی گردد و به‌ویژه مؤمنان به ادیان را در تشخیص دین اصیل و دین ساختگی دچار سردرگمی کند. ظاهراً چنین مسئله‌ای یک مسئله دینی است نه مسئله‌ای جامعه‌شناختی، اما اگر باور داشته باشیم که باورهای دینی نقش مهمی در زندگی فردی و اجتماعی و پیشرفت و توسعه هر جامعه ایفا می‌کنند، مسلماً پایبندی به آموزه‌های دینی غیراصیل و ساختگی می‌تواند نقش مهمی در انحطاط اجتماعی داشته باشد. با این حال، هرگز نمی‌توان دستاوردهای بلا برای جامعه‌شناسی دین را نادیده گرفت. از جمله این دستاوردها می‌توان به نقد رویکردهای تقلیل‌گرایانه به دین و بسط مفاهیمی همچون دین مدنی اشاره کرد که قبلاً از سوی متفکران پیشین مطرح شده بودند. بلا با طرح و بسط چنین مفاهیمی نشان داد

که ترکیب عناصر و آموزه‌های دنیوی با عناصر دینی سنتی- در صورتی که از خطرات ترکیب چنین عناصر و آموزه‌هایی جلوگیری به عمل آید- می‌تواند نقش اساسی در نظم اجتماعی و حفظ و تقویت همبستگی اجتماعی داشته باشد. دست کم یکی از درس‌های مهمی که می‌توانیم از آموزه‌های بلا در عرصه جامعه‌شناسی دین بگیریم این است که دین را در یک معنای خاص محدود نکنیم و در شناخت آن متکی به برداشتی سطحی و جزمی از مفهوم دین نباشیم.

پی‌نوشت‌ها

1. Civil Religion
2. Civil Society
3. Public Sphere

کتاب‌شناسی

الف) فارسی

- پل ویلم، ژان ۱۳۷۷، جامعه‌شناسی/ادیان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
- تامسون، کنت و دیگران ۱۳۸۱، دین و ساختار اجتماعی: مقالاتی در جامعه‌شناسی دین، ترجمه علی بهرام‌پور و حسن محدثی، تهران، انتشارات کویر.
- روشه، گی ۱۳۷۶، جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
- محمدی، مجید ۱۳۷۶، دین مدنی، جامعه سالم، سال هفتم، شماره سی و چهارم.
- شجاعی‌زند، علیرضا ۱۳۸۰، دین، جامعه و عرفی شدن: جستارهایی در جامعه‌شناسی دین، تهران، نشر مرکز.
- همتی، همایون ۱۳۷۹، شناخت دانش/ادیان، تهران، انتشارات نقش جهان.
- همیلتون، ملکم ۱۳۷۷، جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.

ب) غیر فارسی

- Jud, Markus; 2003, *Civil Religion*, Switzerland, Lucerne Publications.
- Nielsen, Donald A; 2004, "Transformation of Society and the Sacred in Durkheim's Religious Sociology", in: Richard K. Fenn (Editor); *The Blackwell Companion to Sociology of Religion*, Blackwell Publications.